فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دهم، شماره سوم (پیاپی ۳۷)، پاییز ۱۴۰۰
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۷۶-۵۹

قابلیت‌های سرمایه اجتماعی برای توانمندسازی اقتصادی روستاییان مورد: روستاهای مرزی شهرستان مریوان

علی‌رضا کریمی*؛ عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
حسین دانش‌مهر؛ عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان و پژوهشگر مطالعات روستایی پژوهشکده کردستان‌شناسی، سنندج، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

چکیده

کلید فهم اثرات سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی اقتصادی این است که اشکال مختلف سرمایه قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند. توانمندسازی اقتصادی روستاییان در منطقه مرزی بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان علاوه بر اینکه همه ضرورت‌های توانمندسازی اقتصادی روستاییان در سایر نقاط کشور را دارد از دو ضرورت بسیار مهم دیگر نیز برخوردار می‌باشد که عبارتند از ماندگاری روستاییان در روستا و جلوگیری از خالی شدن نوار مرزی که این ضرورت علاوه بر جنبه اجتماعی از جنبه امنیتی نیز حائز اهمیت است. ضرورت دوم مربوط به عدم سوق یافتن جوانان روستایی به سمت کولبری است. سوالات اصلی پژوهش عبارتند از ۱) میزان توانمندی اقتصادی روستاییان و سرمایه اجتماعی آنها در چه سطحی می‌باشد؟ ۲) سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن چه رابطه‌ای با توانمندی اقتصادی روستاییان دارد؟. مبانی نظری پژوهش متمرکز بر اندیشه بوردیو در زمینه تبدیل اشکال سرمایه به یکدیگر است. روش پژوهش پیمایش با ابزار پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه روستاییان مناطق روستایی بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان است که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۸۳ نمونه انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی روستاییان در سطح متوسط به بالا و توانمندی اقتصادی آنها در سطح پایینی قرار دارد. رابطه سرمایه اجتماعی با توانمندی اقتصادی معنادار و معکوس می‌باشد. شاخص‌های سرمایه اجتماعی برون گروهی روستاییان در سطح متوسط است و رابطه غیرمعنادار و مثبتی با توانمندی اقتصادی دارد در حالی که شاخص‌های سرمایه اجتماعی درون گروهی قوی و رابطه معنادار و معکوسی با توانمندی اقتصادی دارد. بازتولید شدن توانمندی‌های پیشین و سنتی در میان روستاییان که به دلیل غلبه سرمایه اجتماعی درون گروهی بر برون گروهی می‌باشد سبب شده که سطح مهارت و توانمندی‌های جدید در میان روستاییان در سطح پایینی باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توانمندسازی، اقتصاد روستایی، اشکال سرمایه، بخش خاو ومیرآباد.

* alireza.karimi@khu.ac.ir

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

۱) مقدمه

کلید فهم اثرات سرمایه اجتماعی بر فقر این نکته است که اشکال مختلف سرمایه قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند (Bourdieu, 1986: 241). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و پیمودن راه توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناهموار و دشوار می‌شود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴). سرمایه اجتماعی را می‌توان به مثابه رشته‌ای از تلاش‌ها قلمداد کرد که هدف از آنها اصلاح یا غلبه بر ناتوانی الگوی متداول اقتصادی در ادغام و جای دادن عوامل غیربازاری در توجیه رفتار اقتصادی کنشگران است (ادواردز و فولی، ۱۳۸۹: ۳۸۳). در خصوص قیاس سرمایه اجتماعی با دیگر انواع سرمایه، عنوان شده است که سرمایه اجتماعی را باید در درون ساختار روابط و مناسبات مشاهده کرد و آن به مانند دیگر اشکال سرمایه می‌تواند به منظور کسب عاید و بازده در آینده ذخیره و سرمایه‌گذاری شود (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۲). سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و رسیدن به اهدافی را امکان‌پذیر می‌سازد که در نبود آن، دسترسی به اهداف ناممکن خواهد بود. سرمایه اجتماعی راهی برای توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی است با این هدف که آنها بتوانند به واسطه این توانمندی بر فقر موجود در این جوامع غلبه کنند. به عنوان مثال سرمایه اجتماعی در قالب اطلاعاتی که از دوستان دریافت می‌کنیم می‌تواند در یافتن شغل جدید به ما کمک نماید و از این طریق سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود (Heizmann and Bohnke, 2016: 74).

امروزه با توجه به ضعف زیرساخت‌های اقتصاد روستایی از جمله نابرابری ارزش اقتصاد کشاورزی در برابر اقتصاد صنعتی و خدماتی، فقدان سرمایه لازم جهت سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان‌های اقتصاد پایدار، ضعف بیمه‌گذاری محصولات، ضعف قدرت چانه‌زنی روستاییان در برابر دلالان و بازاریان شهری، نوسان شدید تولید، نابرابری درآمد، پراکندگی شدید قطعات اراضی، عدم استفاده بهینه از منابع آب و خاک، میزان آفت‌زدگی و بسیاری از عوامل دیگر از یک طرف و ناتوانی یا ضعف توانایی روستاییان در کنترل و تعدیل چالش‌های فوق‌الذکر از طرف دیگر توانمندسازی روستاییان را به ضرورتی انکار ناپذیر تبدیل نموده است (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). فرایند توانمندسازی روستاییان نیازمند توانمندی اجتماعی آنها و تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی به معنای عام و توانمندی اقتصادی به معنای خاص است. اهمیت موضوع توانمندسازی اقتصادی در محافل علمی و دانشگاهی بارها مورد تأکید قرار گرفته و پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته است. نتایج بیشتر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان توانمندی اقتصادی شهروندان و بالاخص زنان روستایی در سطح پایینی قرار دارد و عاملی که می‌تواند این توانمندی را تحت تأثیر قرار دهد سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن مانند اعتماد و مشارکت است (نادری مهدیی و وحدت مودب، ۱۳۹۷: ۱۷۵؛ حیدری ساربان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷؛ خاکپور، ۱۳۹۴: ۶۹؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳؛ اعظمی و خیاطی، ۱۳۹۳: ۴۳؛ نوابخش و همکاران، ۱۳۹۴: ۱؛ سعدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳؛ Grootaert, 2003: 1؛ Mayoux, ۲۰۰۱: ۴۳۵؛ Azami et al, 2013: 109 ؛ Bushra and Wajiha, 2015: 3). یافته‌های این پژوهش‌ها قدرت عوامل اجتماعی در تقویت توانمندی اقتصادی را بیشتر از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت در بخش

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

توزیع پول در میان روستاییان با هدف توانمند کردن آنها می‌دانند. در واقع توزیع پول در میان روستاییان سبب کاهش میزان سرمایه‌گذاری برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و افزایش دریافت وام شده است.

پژوهش‌های صورت گرفته داخلی و خارجی بیش از آنکه توانمندسازی اقتصادی روستاییان را مد نظر قرار دهند تأکید زیادی بر زنان و زنان روستایی دارند. زنانه بودن جامعه آماری مورد مطالعه ویژگی مشترک بیشتر مطالعات صورت گرفته می‌باشد. در واقع مطالعه توانمندی اقتصادی به یک گروه خاصی متمرکز شده است و آن هم زنان روستایی می‌باشند. در جوامع در حال توسعه مانند ایران و بالاخص در مناطق روستایی این جوامع مسأله توانمندسازی به عنوان یک مسأله اجتماعی تنها مربوط به یک گروه خاص نیست بلکه مسأله تمام افراد جامعه می‌باشد. علاوه بر این سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل و اثرات آن بر توانمندی اقتصادی یا به تعبیر بوردیو تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی در این پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همراه با موارد ذکر شده باید گفت مسأله توانمندسازی اقتصادی روستاییان به معنای واقعی مفهوم و ماندگار بودن این توانمندی برای مناطق روستایی مرزی مورد غفلت قرار گرفته است. مسأله‌مند بودن موضوع هنگامی تشدید می‌شود که خالی شدن مناطق روستایی مرز و مهاجرت آنها به شهر مطرح می‌شود. این موضوع علاوه بر اینکه یک مسأله اجتماعی است به یک مسأله امنیتی نیز تبدیل می‌شود. خالی شدن روستاهای مناطق مرزی به معنای خالی بودن مرزها و حفظ مرز صرفاً به کمک نیروهای امنیتی است. مهاجران غیرقانونی یا نیروهای خارجی در چنین شرایطی فضای بیشتری را برای تحرک پیدا می‌کنند. امنیت مرزها بخش عمده‌ای از آن منوط به حضور و اسکان مردم در مناطق مرزی است و ماهیت چنین اسکانی نیز عمدتاً در قالب روستانشینی می‌باشد. این موضوع در مناطق مرزی شهرستان مریوان قابل مشاهده است. بخش زیادی از منطقه مرزی شهرستان مریوان در استان کردستان مربوط به روستاهای بخش خاو و میرآباد می‌باشد که اهمیت توانمندسازی اقتصادی آنها علاوه بر ماندگاری در مناطق مرزی و امنیت مرزها از دیدگاه مسأله کولبری نیز مهم است. به دلیل محدود بودن منابع آب و خاک در این روستاها و مازاد جمعیت نیروی کار لذا بخشی از این نیروی کار جهت تأمین معیشت چاره‌ای جز کولبری ندارند. کولبری و پیامدهای آن که یکی از مسائل مهم منطقه می‌باشد ناشی از عوامل متعددی است که در این میان فقر جامعه روستایی غیرتوانمند عاملی برای تبدیل جوانان روستایی به کولبر شده است. بر همین اساس توجه به مسأله توانمندسازی اقتصادی روستاییان مناطق مرزی شهرستان مریوان از ضرورت غیرقابل انکاری برخوردار است. بسیاری از راهکارهای در پیش گرفته شده در رابطه با توانمندسازی اقتصادی این جامعه تاکنون به نتایج مورد انتظار دست نیافته و بیشتر به صورت تسکین دهنده موقتی عمل نموده است. عمده این راهکارها متمرکز بر راهکارهای اقتصادی بوده است. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده به امکان بهره‌گیری از سرمایه‌های غیر اقتصادی برای توانمندسازی اقتصادی روستاییان پرداخته شود که در میان سرمایه‌های غیر اقتصادی باید به سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌ها اشاره نمود که در این مناطق کمتر در راستای توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های صورت گرفته در سایر مناطق روستایی کشور در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی نیز عموماً مولفه‌های

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

پراکنده‌ای از سرمایه اجتماعی بالاخص مشارکت و اعتماد را مورد توجه قرار داده‌اند و با یک تئوری مشخص از سرمایه اجتماعی و مولفه‌های معین، اثرات این متغیر بر میزان توانمندی اقتصادی روستاییان مورد توجه جدی قرار نگرفته است. بر همین اساس سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱) میزان توانمندی اقتصادی روستاییان و سرمایه اجتماعی آنها در چه سطحی می‌باشد؟ ۲) سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن چه رابطه‌ای با توانمندی اقتصادی روستاییان دارد؟

۲) مبانی نظری

پی‌یر بوردیو از اولین محققانی است که به تحلیل انواع سرمایه و رابطه آنها با یکدیگر می‌پردازد. به عقیده بوردیو در هر میدانی میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی چهار نوع سرمایه رد و بدل می‌شود که عبارتند از: ۱- سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر کنشگری در دست دارد و شامل درآمدها و بقیه انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می‌کند. ۲- سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و آن شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید. ۳- سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند. ۴- سرمایه نمادین، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیتهای فردی در رفتارها که فرد در اختیار دارد (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۳۰). در میان انواع سرمایه‌ها باید سرمایه اقتصادی را ریشه دیگر انواع سرمایه‌ها دانست (Bourdieu, 1986: 252) و برای فهم نابرابری‌های موجود در جامعه باید شیوه‌های ترکیب سرمایه اقتصادی با دیگر اشکال سرمایه مورد بررسی قرار گیرد و نابرابری باید از طریق تولید و بازتولید سرمایه تشریح شود. از دیدگاه بوردیو، سرمایه، کار انباشت شده‌ای است که برای جمع شدن نیاز به زمان دارد اما صرفاً در مسائل اقتصادی لحاظ کردن سرمایه کفایت نمی‌کند لذا سرمایه اجتماعی باید به عنوان دارایی در نظر گرفته شود و اینها نشان‌دهنده تولید کار انباشت شده می‌باشد. بوردیو معتقد است که درک دنیای اجتماعی بدون فهم نقش اشکال مختلف سرمایه و نه فقط آن شکل از سرمایه که در نظریه اقتصادی مطرح شده، غیر ممکن است (Bourdieu, 1986: 258). او معتقد بود سرمایه اجتماعی باعث باز تولید نابرابری می‌شود اما تا حدودی مستقل از سرمایه اقتصادی عمل می‌کند، ضمن این که به هیچ عنوان از آن جدا شدنی نیست (Bourdieu, 1986: 253).

بوردیو بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه و بر تقلیل نهایی همه اشکال به سرمایه اقتصادی تأکید می‌کند. وی معتقد است در میان انواع سرمایه‌ها قابلیت تبدیل سرمایه اقتصادی بسیار زیاد است و به آسانی به دیگر سرمایه‌ها تبدیل می‌شود (Bourdieu, 1986: 248- 258; Dinello, 1998: 307) اما سرمایه اجتماعی هم انتقال آن دشوار بوده و هم استفاده از آن به عنوان یک جایگزین مستقیم، برای دیگر اشکال سرمایه مشکل است. بنابراین افرادی که دارای سرمایه اجتماعی هستند، یک دارایی مجزاتر و با انعطاف‌پذیری کمتری دارند، نسبت به کسانی که دارای سرمایه اقتصادی هستند (Tymon and

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

Stumpf, 2003: 15). با این وجود بوردیو بر این نکته تأکید می‌کند که همانگونه که سرمایه اقتصادی قابل تبدیل به سرمایه اجتماعی است، عکس این قضیه نیز می‌تواند صادق باشد. کنشگران از طریق سرمایه اجتماعی می‌توانند دسترسی مستقیمی به منابع و سرمایه‌های اقتصادی داشته باشند (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۷). از دیدگاه بوردیو دستاورد سرمایه اجتماعی این است که در نهایت از طریق مشارکت مداوم در شبکه به منظور افزایش فواید دو جانبه، پاداش اقتصادی نیز به همراه دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی سازوکاری است که از طریق روابط و پیوستگی‌های اجتماعی امکان دسترسی به منابع را موجب می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۵).

سرمایه اجتماعی عبارت از موفقیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد (Bourdieu, 1986: ۲۸۴). ارزش ارتباطات یک فرد (حجم سرمایه اجتماعی) به تعداد ارتباطات فعال شده و حجم سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) هر ارتباط بستگی دارد. بوردیو برای نمایش تعامل بین ارتباطات و سرمایه مالی، اعضای حرفه‌ها را مثال می‌زند، مانند وکلا یا پزشکان که با بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی، اعتماد و اطمینان مشتریان را در یک جامعه سطح بالا به دست می‌آورند یا حتی از آنها در زمینه شغلی و سیاسی بهره‌برداری می‌کنند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۶). در مقابل، افرادی که از سرمایه اجتماعی لازم برخوردار نباشند میزان اعتماد نهادها بالاخص نهادهای مالی به آنها نیز در سطح مناسبی قرار ندارد لذا دسترسی آنها به منابع و سرمایه‌های مالی محدود می‌شود. ارتباط سرمایه اجتماعی با سرمایه اقتصادی و هم‌افزایی این دو نوع سرمایه می‌تواند به میزان زیادی نابرابری‌های بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی را تبیین نماید.

از مزایای مهم سرمایه اجتماعی، توزیع اطلاعات است. سرمایه اجتماعی دسترسی به منابع وسیع‌تر اطلاعات را تسهیل نموده و کیفیت، مربوط بودن، مناسبت و به جا بودن اطلاعات را بهبود می‌بخشد. این موضوع سبب ایجاد کانال‌های نفوذ و قدرت برای افراد می‌شود که خود مزیت مهم دیگری برای افراد دارای سرمایه اجتماعی بالا ایجاد می‌کند (Adler and Kwon, 2002: 29). علاوه بر این مشارکت افراد در گروه‌های مختلف و تعامل آنها در این گروه‌ها سبب دسترسی بیشتر آنها به زمینه‌های اقتصادی و در نتیجه توانمندتر شدن افراد به لحاظ اقتصادی می‌شود. در یک رابطه تعاملی، توانمندسازی اقتصادی باعث افزایش اعتماد به نفس، عزت نفس، مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و افزایش میزان درگیر شدن افراد در جامعه می‌شود (Story et al, 2018: 8; Moyle et al, 2006: 264-265). بر اساس گزارش بانک جهانی فعالیت‌هایی که دارایی‌های فردی و جمعی ایجاد می‌کند از عناصر مرکزی فرایند توانمندسازی هستند (Story et al, 2018: 2). در واقع توانمندسازی اقتصادی فرایندی است از پایین به بالا که طی آن افراد با افزایش قابلیت‌های اقتصادی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند (اصغری لفمجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶). توانمندی اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌های اقتصادی افراد، متأثر از سرمایه اجتماعی آنها می‌باشد. قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به توانمندی اقتصادی سبب می‌شود که افراد دارای سرمایه اجتماعی بالا توانایی بیشتری در برقراری ارتباط با نهادهای مالی، دریافت امکانات و تسهیلات، یادگیری مهارت‌های تخصصی، کسب و کارهای مشترک با دیگران و مواردی از این

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

قبیل را دارا باشند. توانمندی اقتصادی در فرایند توانمندسازی افراد و با اتکای بالایی به سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود. در واقع توانمندسازی اقتصادی به فرایندی اشاره دارد که به واسطه آن شرایط زندگی از وضعیتی که دارای منابع اقتصادی پایین و عوامل اقتصادی محدود است به شرایطی تغییر می‌کند که منابع و عوامل اقتصادی افزایش می‌یابد و از این طریق می‌توان زندگی را تغییر داد. یکی از شرایط ضروری (اما ناکافی) در این فرایند شامل "منابع انسانی[۱]" در اختیار افراد مانند درآمد، تحصیلات، دانش و ظرفیت‌های شخصی می‌باشد. از شرایط دیگر می‌توان به میزان دسترسی و کنترل افراد بر روی "منابع اقتصادی[۲]" اشاره نمود. این منابع طیف گسترده‌ای از منابع مختلف را در بر می‌گیرد که از آن جمله باید به وضعیت شغلی افراد و عایدی حاصل از آن و همچنین دارایی‌های مالی افراد اشاره نمود. شرایط سوم شامل ارتقای "منابع اجتماعی[۳]" خانوادگی افراد است که در برگیرنده توانایی‌های آنان برای سازماندهی اعضای غیرخانواده با هدف تقویت فعالیت اقتصادی و حقوق آنها است (Yount et al, 2018: 125). فرایند توانمندسازی اقتصادی افراد وابسته به سرمایه اجتماعی آنها می‌باشد و بدون سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن توانمندسازی اقتصادی افراد دچار اختلال می‌شود. در واقع افراد فاقد توانمندی اجتماعی نمی‌توانند به افرادی با توانمندی اقتصادی تبدیل شوند. توانمندی اجتماعی به توانمند شدن افراد به لحاظ اقتصادی کمک می‌کند و توانمندی اقتصادی نیز سبب تقویت توانمندی اجتماعی افراد می‌شود.

معنای توانمندی اقتصادی و طراحی ابزاری برای سنجش آن در فرهنگ‌های مختلف چالش بزرگی برای پژوهشگران این حوزه می‌باشد (O'Hara and Clement, 2018: 112; Mahmud et al, 2012: ۶۱۱). با این وجود به تبعیت از تعریف بانک جهانی توانمندی اقتصادی بیشتر متمرکز بر توانایی افراد در زمینه کسب درآمد، ایجاد شغل، مهارت‌های تخصصی آنها و فعالیت‌هایی است که دارایی‌های فردی و جمعی ایجاد می‌کنند. سرمایه اجتماعی نیز به تبعیت از دیدگاه بوردیو در قسمت‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس تعریف‌های ارائه شده از این مفهوم باید از مهمترین شاخص‌های آن به اعتماد، انسجام اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی اشاره نمود.

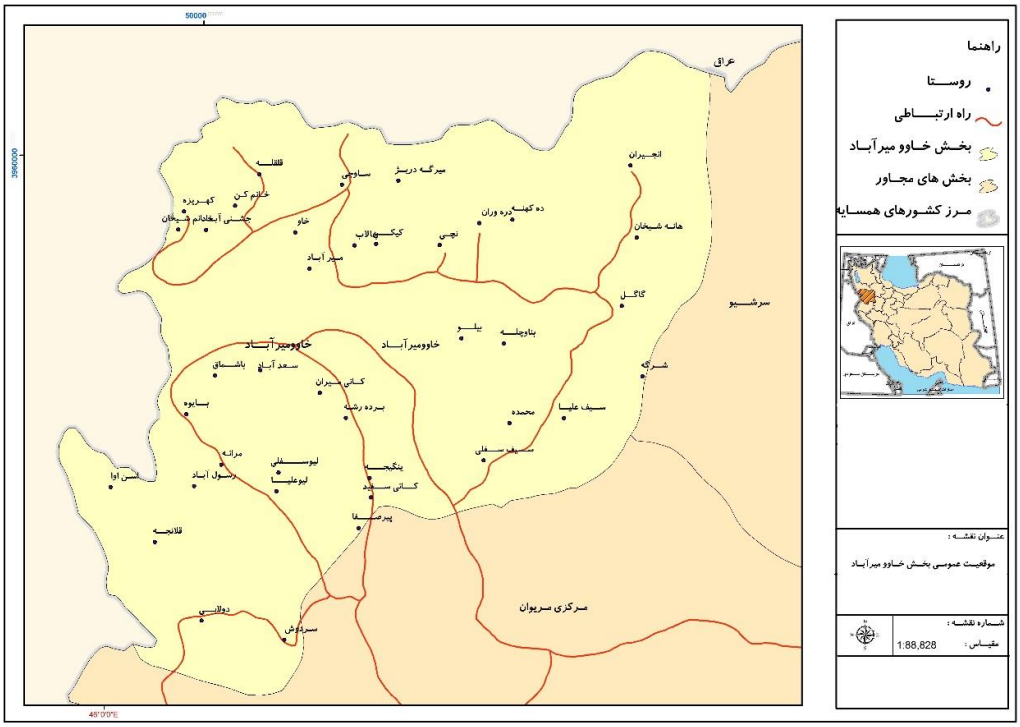
۳) روش تحقیق

روش پژوهش به شیوه پیمایش می‌باشد که مبتنی بر داده‌های کمی جمع‌آوری شده از تکنیک پرسشنامه است. جامعه آماری مورد مطالعه روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان در استان کردستان می‌باشد. شهرستان مریوان به لحاظ تقسیمات سیاسی دارای ۳ بخش است که شامل ۴ شهر، ۶ دهستان و ۱۴۹ آبادی دارای سکنه است. سه بخش شهرستان مریوان شامل بخش خاو و میرآباد، بخش سرشیو و بخش مرکزی می‌باشد. بخش خاو و میرآباد دارای یک دهستان با ۳۹ آبادی است که ۳۲ آبادی دارای سکنه هستند. بر اساس شکل شماره ۱، بخش خاو و میرآباد در غرب شهرستان مریوان و مرز ایران و عراق قرار دارد.

---

۱. human resources
۲. economic resources
۳. social resources

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی روستاهای بخش خاو و میرآباد

از میان ۳۲ روستای دارای سکنه در بخش خاو و میرآباد که موقعیت جغرافیایی آن‌ها در شکل شماره ۱، نشان داده شده است به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اقدام به انتخاب نمونه‌های پژوهش شد. در ابتدا بر اساس موقعیت جغرافیایی، روستاهای بخش خاو و میرآباد به سه بخش ۱- روستاهای مرزی ۲- روستاهای غیرمرزی و نزدیک به بخش مرکزی و سرشیو ۳- روستاهای میانه که حد واسط این دو بخش است، تقسیم شدند. در هر موقعیت جغرافیایی بر اساس فاصله روستاها از یکدیگر و میزان تراکم روستاها و همچنین جمعیت هر روستا اقدام به انتخاب روستاهای نمونه شد. با توجه به حساسیت موضوع مورد مطالعه و همچنین با هدف افزایش دقت نمونه‌گیری سعی شد تعداد روستاهای بیشتری در حجم نمونه قرار گیرد. از مجموع ۳۲ روستای بخش خاو و میرآباد که اطلاعات جمعیتی آنها ثبت شده بود و دارای جمعیت ساکن بودند تعداد ۲۲ روستا به عنوان نمونه انتخاب گردید. انتخاب این روستاها بر اساس موقعیت جغرافیایی و جمعیت آنها می‌باشد. این حجم روستای منتخب در حدود ۷۰ درصد روستاهای منطقه را پوشش می‌دهد. اسامی ۲۲ روستای منتخب در جدول ۱، نشان داده شده است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت روستاهای منتخب برابر با ۸۰۸۱ نفر می‌باشد اگر سطح اطمینان را ۹۵ درصد با میزان خطای ۰/۰۵ در نظر بگیرم با استفاده از فرمول کوکران و آماره‌های مرتبط با آن حجم نمونه برابر با ۳۶۷ نفر است. بر اساس تجربه پیشین محققین در جامعه مورد مطالعه با هدف کاهش میزان خطای پرسشنامه‌هایی که ممکن است به دلایل متعدد در مرحله پایش از تحلیل نهایی حذف شوند لذا به میزان ۳۰ درصد به حجم نمونه اضافه شد و حجم نمونه به ۴۸۳ نفر ارتقا داده شد. این حجم نمونه به محققین اجازه می‌دهد که در مرحله بررسی پرسشنامه‌ها و پایش آنها جهت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

ورود به تحلیل با آزادی عمل بیشتری پرسشنامه‌های دارای ایراد را حذف نموده بدون اینکه روایی و پایایی پژوهش تحت تأثیر قرار گیرد. بعد از تعیین حجم نمونه در مرحله بعد با توجه به جمعیت هر روستا این تعداد نمونه به شیوه توزیع به نسبت بین ۲۲ روستا توزیع شد. جدول ۱، جمعیت و تعداد نمونه اختصاص یافته به هر روستا را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع نمونه آماری به تفکیک روستاهای منتخب

ردیف	نام روستا	جمعیت	تعداد نمونه	ردیف	نام روستا	جمعیت	تعداد نمونه
۱	باشماق	۵۵	۳	۱۲	محمده	۱۶۶	۱۰
۲	بایوه	۱۲۷	۸	۱۳	شرگه	۳۴	۲
۳	آسن آباد	۴۲	۲	۱۴	میرگه‌دریژ	۱۹۸	۱۲
۴	سردوش	۱۴۳۹	۸۶	۱۵	کیکن	۲۲۷	۱۴
۵	مرانه	۶۶	۴	۱۶	میرآباد	۲۶۵	۱۶
۶	ینگیجه	۳۴۷	۲۱	۱۷	ساوجی	۱۱۴۳	۶۸
۷	برده‌رشه	۱۰۲۰	۶۱	۱۸	قلقله	۴۹۹	۳۰
۸	انجیران	۴۲۲	۲۵	۱۹	جشنی آباد	۳۹۹	۲۴
۹	گاگل	۳۲۹	۲۰	۲۰	خانم کن	۱۷۴	۱۰
۱۰	دره‌وران	۳۳۷	۲۰	۲۱	خاو	۲۸۲	۱۷
۱۱	بیلو	۴۹۲	۲۹	۲۲	خانم شیخان	۱۸	۱
جمع کل			۸۰۸۱	تعداد کل نمونه			۴۸۳

بعد از انتخاب روستا و توزیع حجم نمونه به تفکیک روستاها مطابق با جدول ۱، در مرحله سوم نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به انتخاب افراد در روستا شد. در انتخاب نمونه‌ها سعی شد که ترکیب سنی و جنسی تا حد امکان رعایت شود. با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش و سوالات تحقیق نمونه آماری منتخب شامل افراد بالای ۱۸ سال می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های جامعه و حساسیت‌های موجود در زمینه مصاحبه زنان روستایی لذا دو نفر از اعضای تیم پرسشگری را خانم تشکیل می‌دادند.

متغیر مستقل پژوهش یعنی سرمایه اجتماعی با استفاده از ۷ شاخص مورد سنجش قرار گرفت. شاخص‌های مورد استفاده عبارتند از مشارکت ذهنی، مشارکت عینی، تعاملات اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد درون گروهی، اعتماد برون گروهی و اعتماد نهادی. مشارکت ذهنی با ۶ گویه با طیف لیکرت سنجش شد که به بررسی آمادگی ذهنی روستاییان برای کار شراکتی و جمعی می‌پردازد. میزان پایایی این طیف برابر با ۰/۷۶ می‌باشد. مشارکت عینی با ۹ گویه از طریق طیف لیکرت میزان مشارکت روستاییان را در فعالیت‌هایی مانند شرکت در کلاس‌های ترویجی جهاد کشاورزی، همکاری با دهیاری، مشارکت در امور عمرانی روستا و مواردی از این قبیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. تعاملات اجتماعی روستاییان با ۸ گویه به بررسی میزان رفت و آمدهای روستاییان با یکدیگر، شرکت در مراسمات جمعی، دید و بازدیدها و مواردی از این قبیل می‌پردازد. میزان پایایی این طیف برابر با ۰/۷۸ است. انسجام

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

اجتماعی به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی روستاییان با ۶ گویه به بررسی میزان درگیرها و اختلافات روستاییان می‌پردازد. میزان پایایی این طیف نیز برابر با ۰/۷ می‌باشد. اعتماد اجتماعی روستاییان در این پژوهش به دو صورت اعتماد درون گروهی با ۹ گویه و اعتماد برون گروهی با ۱۰ گویه مورد بررسی قرار گرفت. میزان پایایی طیف این دو شاخص نیز به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۷۱ است. اعتماد نهادی به عنوان آخرین شاخص سرمایه اجتماعی با ۱۱ گویه از طریق طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش میزان اعتماد روستاییان به نهادهای داخل روستا مانند شورای اسلامی روستا و دهیار و نهادهای بیرون روستا ولی در ارتباط با جامعه روستایی مانند جهاد کشاورزی، بانک و مجلس مورد بررسی قرار گرفت.

متغیر وابسته پژوهش یعنی توانمندی اقتصادی روستاییان به بررسی میزان توانایی روستاییان در افزایش درآمد، ایجاد شغل جدید، پس‌انداز بخشی از درآمد، بازپرداخت اقساط بانکی و مواردی از این قبیل می‌پردازد. علاوه بر این وضعیت شغلی پاسخگویان، نوع شغل آنها و نوع مهارت و توانمندی آنها غیر از شغل اصلی‌شان مورد سوال قرار گرفت.

۴) یافته‌های تحقیق

نتایج پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. در بخش یافته‌های توصیفی وضعیت جامعه مورد مطالعه در قالب هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته تشریح می‌شود و در بخش یافته‌های استنباطی نیز روابط متغیرهای مستقل و وابسته آزمون می‌شود.

یافته‌های توصیفی

در بخش توصیفی، یافته‌های پژوهش در سه بخش ارائه می‌گردد. در بخش اول مشخصات عمومی پاسخگویان بیان می‌شود. در بخش دوم به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی روستاییان و شاخص‌های آن‌ها پرداخته می‌شود و در بخش سوم نیز وضعیت توانمندی اقتصادی روستاییان در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مشخصات عمومی پاسخگویان

مهمترین مشخصات عمومی پاسخگویان در این پژوهش شامل سن، جنسیت و تحصیلات می‌باشد. به لحاظ وضعیت سنی باید گفت میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۸/۴ سال با انحراف معیار ۱۴/۴ سال می‌باشد. میانه و مُد سنی پاسخگویان به ترتیب برابر با ۳۸ سال و ۳۷ سال است. جوانترین پاسخگو در این پژوهش ۱۸ سال و مسن‌ترین پاسخگو ۹۰ سال می‌باشد. ۷۹/۲ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۰/۸ درصد زن می‌باشند. ۲۰/۱ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۱/۴ درصد سواد آنها در سطح خواندن و نوشتن، ۲۷/۹ درصد تحصیلات آنها ابتدایی، ۲۶/۲ درصد راهنمایی، ۲۰/۱ درصد متوسطه و دیپلم و تنها ۴/۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی هستند که تحصیلات آنها شامل فوق دیپلم و لیسانس است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

سرمایه اجتماعی

نتایج توصیفی وضعیت سرمایه اجتماعی پاسخگویان در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول میانگین نظری طیف و میانگین به دست آمده برای سرمایه اجتماعی پاسخگویان و هر یک از شاخص‌های آن همراه با انحراف معیار ارائه می‌شود. در بخش دوم وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در سه سطح زیاد، متوسط و کم بیان می‌گردد. این دو بخش به شناخت دقیق‌تر متغیرهای مورد بررسی کمک می‌کند. پیش از ورود به این بخش باید گفت که ابتدا گویه‌های هر یک از متغیرها هم‌جهت شده سپس با یکدیگر جمع شدند و نتایج آن در دو بخش در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی وضعیت سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در جامعه مورد مطالعه

نام متغیر	آماره‌های میانگین و انحراف معیار			وضعیت متغیرها		
	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	زیاد	متوسط	کم
سرمایه اجتماعی	۱۱۸	۱۲۷/۶	۱۳/۲	۲۴/۲	۷۳	۲/۸
مشارکت ذهنی	۱۲	۱۲/۸	۲/۳	۳۴/۸	۵۸/۳	۶/۹
مشارکت عینی	۱۸	۱۸/۵	۳/۲	۲۳/۹	۶۶/۹	۹/۲
تعاملات اجتماعی	۱۶	۲۰/۲	۲/۲	۸۵/۷	۱۲/۸	۱/۵
انسجام اجتماعی	۱۲	۱۵/۴	۱/۶	۷۱/۴	۲۶/۹	۱/۷
اعتماد درون‌گروهی	۱۸	۱۸/۷	۴/۸	۳۷/۱	۴۳/۵	۱۹/۴
اعتماد برون گروهی	۲۰	۲۰/۱	۳/۲	۱۵/۱	۷۵/۱	۹/۸
اعتماد نهادی	۲۲	۲۰/۹	۵/۱	۱۸/۶	۵۹/۳	۲۲/۱

یافته‌های حاصل از جدول ۲، نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه در سطح متوسط به بالایی قرار دارد. در حدود سه چهارم (۷۳ درصد) از روستاییان میزان سرمایه اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی نیز باید گفت میزان دو شاخص تعاملات اجتماعی و انسجام اجتماعی در سطح بالاتری نسبت به سایر شاخص‌ها قرار دارند. نمره میانگین به دست آمده نیز برای این دو شاخص به صورت قابل توجهی بالاتر از میانگین نظری طیف می‌باشد. در ارتباط با سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی نمره میانگین به دست آمده برای آنها در اطراف نمره میانگین نظری طیف قرار دارد. همین موضوع در ارتباط با بخش دوم یعنی وضعیت متغیرها در جامعه مورد مطالعه نیز مشاهده می‌شود که توزیع نسبی در سطح متوسط بیشترین تراکم را به خود اختصاص داده است.

توانمندی اقتصادی

وضعیت توانمندی اقتصادی روستاییان در جدول ۳، در دو بخش آماره‌های توصیفی و وضعیت توانمندی در جامعه مورد مطالعه نشان داده شده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

جدول ۳. آماره‌های توصیفی وضعیت توانمندی اقتصادی در جامعه مورد مطالعه

نام متغیر	آماره‌های میانگین و انحراف معیار			وضعیت در جامعه مورد مطالعه		
	میانگین نظری	میانگین به دست آمده	انحراف معیار	زیاد	متوسط	کم
توانمندی اقتصادی	۷/۵	۵/۹	۱/۳	۶/۸	۱۴/۷	۷۸/۵

یافته‌های حاصل از جدول ۳، نشان می‌دهد که میزان توانمندی اقتصادی روستاییان در سطح پایینی قرار دارد. میانگین به دست آمده برای میزان توانمندی اقتصادی در حدود ۶ است که پایین‌تر از میانگین نظری طیف می‌باشد. در حدود ۸۰ درصد از پاسخگویان میزان توانمندی اقتصادی آنها در سطح پایینی است.

به لحاظ وضعیت شغلی پاسخگویان که مرتبط با توانمندی اقتصادی آنها نیز می‌باشد باید گفت که ۶۰/۱ درصد از پاسخگویان شاغل، ۱۶/۷ درصد خانه‌دار، ۶ درصد دانش‌آموز یا دانشجو، ۱۰/۵ درصد بیکار و ۶/۷ درصد از کار افتاده بودند. در میان شاغلین مورد مطالعه نیز باید گفت که ۷۸/۲ درصد کشاورز یا باغدار، ۱/۸ درصد دامدار، ۹/۱ درصد کارگر، ۱/۸ درصد کارمند و ۹/۱ درصد شغل آزاد داشتند. در میان شاغلین روستایی حدود ۳۰ درصد از آنها در کنار شغل اول دارای شغل دوم نیز بودند که شغل دوم آنها عمدتاً کشاورزی و دامداری یا کارگری است. در واقع مشاغل روستاییان عمدتاً فاقد مهارت و توانمندی خاصی بود و بیشتر مهارت آنها متمرکز بر کشاورزی و دامداری به شیوه سنتی می‌باشد. در بخش کارگری نیز منظور آنها بیشتر کولبری و کارگری در تهران بود که این موضوع نیز نیازمند مهارت و توانمندی تخصصی نیست. در ذکر توانمندی، روستاییان عمدتاً به کشاورزی و دامداری اشاره می‌کردند. روستاییان فاقد مهارت و توانمندی در واقع بازتولید کننده مشاغل نسل پیشین با درآمد پایین‌تر هستند. این امر ناشی از تقسیم اراضی بین فرزندان و محدود شدن منابع آب و خاک است. نیروی مازاد بخش کشاورزی و دامداری نیز به سمت کولبری و کارگری در تهران هدایت می‌شوند. این امر می‌تواند چرخه فقر روستایی را در یک دور باطلی هدایت کند که پیامد آن فقر فزاینده برای روستاییان و افزایش قشر کولبر و کارگر شهری است.

یافته‌های استنباطی

رابطه متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته یعنی توانمندی اقتصادی روستاییان در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیر مستقل اصلی پژوهش سرمایه اجتماعی است که یافته‌های حاصل از آزمون رابطه این متغیر همراه با شاخص‌های آن در جدول ۴، نشان داده شده است. در این جدول رابطه بین سن و توانمندی اقتصادی روستاییان نیز مورد آزمون قرار گرفته است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	وجود/عدم وجود رابطه
توانمندی اقتصادی	سرمایه اجتماعی	-۰/۲۴	۰/۰۰۱	وجود رابطه
	مشارکت ذهنی	۰/۰۲	۰/۷۳	عدم وجود رابطه
	مشارکت عینی	۰/۰۰۳	۰/۹۶	عدم وجود رابطه
	تعاملات اجتماعی	-۰/۳۶	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	انسجام اجتماعی	-۰/۲۸	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	اعتماد درون گروهی	-۰/۱۹	۰/۰۰۰	وجود رابطه
	اعتماد برون گروهی	۰/۰۶	۰/۲۴	عدم وجود رابطه
	اعتماد نهادی	۰/۰۸	۰/۱۸	عدم وجود رابطه
	سن	-۰/۱	۰/۰۳	وجود رابطه

یافته‌های حاصل از جدول ۴، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی روستاییان با میزان توانمندی اقتصادی آنها رابطه معناداری دارد. با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده باید گفت که این رابطه به لحاظ شدت در سطح متوسط و به لحاظ جهت رابطه معکوس است. یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی روستاییان میزان توانمندی اقتصادی آنها کاهش می‌یابد. تحلیل این رابطه نیازمند بررسی رابطه شاخص‌های سرمایه اجتماعی با توانمندی اقتصادی است. شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی که بیشتر به سمت سرمایه اجتماعی برون گروهی میل می‌کنند مانند اعتماد برون گروهی و اعتماد نهادی رابطه معناداری با توانمندی اقتصادی روستاییان ندارند اما شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی که بیشتر بیانگر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هستند مانند تعاملات اجتماعی با سایر روستاییان، انسجام اجتماعی روستاییان با یکدیگر و اعتماد درون‌گروهی آنها با توانمندی اقتصادی روستاییان رابطه معناداری دارد. جهت این روابط نیز معکوس می‌باشد. به عبارت دیگر تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی روستاییان بدون توجه به سرمایه اجتماعی برون گروهی سبب بازتولید وضعیت پیشین در جامعه روستایی می‌شود. وضعیت پیشین مبتنی بر توانمندی‌های محدود، سنتی و منحصر به بخش کشاورزی و دامداری می‌باشد و مانع از آن می‌شود که روستاییان با توانمندی‌های جدید که عموماً بیرون از محیط روستا یا توسط نهادهای بیرونی در محیط روستا آموزش داده می‌شود، آشنا شوند. عدم آشنایی روستاییان با مهارت‌های جدید سبب محدود شدن توانمندی‌های اقتصادی روستاییان می‌گردد که پیامد این امر متمرکز شدن مشاغل و منابع درآمدی روستاییان به کشاورزی، دامداری، کولبری و کارگری می‌شود. بر اساس نتایج آزمون پیرسون باید گفت که بین سن و توانمندی اقتصادی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد. شدت رابطه ضعیف و جهت آن نیز معکوس می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش سن میزان توانمندی‌های اقتصادی روستاییان کاهش می‌یابد و جوانان از میانسالان و سالخوردگان از توانمندی اقتصادی بالاتری برخوردارند.

به منظور سنجش توانمندی اقتصادی پاسخگویان بر حسب جنسیت از آزمون مقایسه میانگین t استفاده شده است که نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۵، ارائه شده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

جدول ۵. نتایج آزمون مقایسه میانگین t مستقل

متغیر مستقل		تعداد	میانگین نمره	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری	وجود/ عدم وجود تفاوت
جنسیت	مرد	۳۵۶	۶	۱/۴	۳/۳	۰/۰۰۱	وجود تفاوت
	زن	۸۷	۵/۵	۱/۱			

یافته‌های حاصل از جدول ۵، نشان می‌دهد که توانمندی اقتصادی روستاییان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری دارد. سطح معناداری این آزمون با مقدار ۳/۳ برابر با ۰/۰۰۱ است. میزان توانمندی اقتصادی مردان با میانگین ۶ و انحراف معیار ۱/۴ به صورت معناداری بیشتر از توانمندی زنان با میانگین ۵/۵ و انحراف معیار ۱/۱ می‌باشد.

بررسی توانمندی اقتصادی روستاییان بر حسب تحصیلات از طریق آزمون آنالیز واریانس یک‌راهه صورت گرفت که نتایج به دست آمده از این آزمون در جدول ۶، نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک راهه

متغیر مستقل		تعداد	میانگین نمره	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری	وجود/ عدم وجود تفاوت
تحصیلات	بی‌سواد و خواندن و نوشتن	۹۰	۵/۵	۱/۱	۱۸/۴	۰/۰۰۰	وجود تفاوت
	ابتدایی	۱۱۹	۵/۶	۱/۱			
	راهنمایی	۱۰۹	۵/۹	۱/۳			
	متوسطه و دیپلم	۸۲	۶/۲	۱/۴			
	دانشگاهی	۱۸	۸	۱/۷			

نتایج جدول ۶، حاکی از آن است که توانمندی اقتصادی روستاییان برحسب تحصیلات تفاوت معناداری دارد. مقدار F این آزمون با سطح معناداری ۰/۰۰۰ برابر با ۱۸/۴ می‌باشد. یافته‌های حاصل از آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت بین زوج گروه‌های زیر معنادار می‌باشد: ۱- بی‌سواد و خواندن و نوشتن با راهنمایی ۲- بی‌سواد و خواندن و نوشتن با متوسطه و دیپلم ۳- بی‌سواد و خواندن و نوشتن با دانشگاهی ۴- ابتدایی با راهنمایی ۵- ابتدایی با متوسطه و دیپلم ۶- ابتدایی با دانشگاهی ۷- راهنمایی با دانشگاهی ۸- متوسطه و دیپلم با دانشگاهی.

۵) نتیجه‌گیری

توانمندسازی اقتصادی جامعه روستایی از جمله مسائلی است که ضرورت توجه به آن به صورت روز افزونی در حال افزایش است. ضرورت این موضوع تنها مختص جامعه روستایی نیست بلکه پیامدهای ناشی از آن شامل شهرها نیز می‌شود که از مهمترین و بدیهی‌ترین آن می‌توان به کاهش مهاجرت به شهر و کنترل حاشیه‌نشینی اشاره نمود که عمدتاً به دلیل یافتن شغل صورت می‌گیرد. ورود به موضوع توانمندسازی جامعه روستایی از سوی دولتمردان در دوره‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی صورت گرفته

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

است که از شایع‌ترین این روش‌ها پرداخت پول به روستاییان در قالب حمایت از صنایع کوچک، وام‌های خوداشتغالی، اعتبارات خرد و مواردی از این قبیل بوده است. به نظر می‌رسد توجه صرفاً اقتصادی در قالب پرداخت پول به روستاییان جهت توانمندسازی آنها نتوانسته است به نتایج مورد انتظار دست یابد. از جمله موضوعاتی که در فرایند توانمندسازی روستاییان کمتر مورد توجه قرار گرفته است بهره‌گیری از عوامل غیراقتصادی در فرایند توانمندسازی اقتصادی می‌باشد. این موضوع تحت عنوان فرایند تبدیل سرمایه‌های غیراقتصادی به سرمایه اقتصادی، مطرح می‌باشد. اثرگذار بودن این فرایند در جوامع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و کارا بودن آن مشخص شده است. در میان انواع سرمایه‌های روستاییان باید به سرمایه اجتماعی و قابلیت تبدیل آن به سرمایه اقتصادی اشاره نمود. سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و رسیدن به اهداف توانمندسازی اقتصادی را می‌تواند تسهیل و تسریع نماید.

از دیدگاه بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی سازوکاری است که از طریق روابط و پیوستگی‌های اجتماعی امکان دسترسی به منابعی مانند منابع اقتصادی که مبنای توانمندی اقتصادی است را موجب می‌شود. علاوه بر بوردیو اندیشمندان دیگر سرمایه اجتماعی نیز بر قابلیت سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه اقتصادی تأکید دارند. پاتنام (۱۳۸۰) در تحقیقات خود نشان داد که در بخش‌هایی از ایتالیا سرمایه اجتماعی موجب شکوفایی و توسعه اقتصادی و سیاسی شده است. به باور فوکویاما (۱۳۷۹) نیز تفاوت کشورها به لحاظ توسعه یافتگی متاثر از سرمایه اجتماعی است تا درجات صنعتی شدن آنها. یافته-های این پژوهش نشان داد که اگرچه سرمایه اجتماعی رابطه معکوسی با توانمندی اقتصادی روستاییان دارد اما بررسی شاخص‌های این متغیر و معنادار شدن آنها بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه مورد مطالعه تقویت شده و سرمایه اجتماعی برون گروهی تضعیف شده است. به عبارت دیگر غلبه سرمایه اجتماعی درون گروهی بر سرمایه اجتماعی برون گروهی سبب شده است که سرمایه اجتماعی رابطه معکوسی با توانمندی اقتصادی داشته باشد. شاخص‌های سرمایه اجتماعی برون گروهی مانند اعتماد اجتماعی برون گروهی و اعتماد نهادی با وجود اینکه رابطه آنها با توانمندی اقتصادی معنادار نبود اما جهت آنها مثبت می‌باشد. اگر یافته‌های پژوهش را از این جهت مورد بررسی قرار دهیم با مبانی نظری پژوهش و تحقیقات پیشین مانند (نادری مهدیی و وحدت مودب، ۱۳۹۷: ۱۷۵؛ حیدری ساربان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷؛ اعظمی و خیاطی، ۱۳۹۳: ۴۳؛ Grootaert, 2003: 1؛ Bushra and Wajiha, ۲۰۱۵: ۳) همراستا می‌باشد اما اگر سرمایه اجتماعی را به معنای کلی آن در نظر بگیریم باید گفت بین یافته‌های پژوهش و مبانی نظری و تحقیقات پیشین به ظاهر نوعی تعارض وجود دارد اما از نوع کاذب است و نمی‌توان در این سطح تحلیل نمود بلکه باید در سطح شاخص‌های پژوهش به تحلیل یافته‌ها پرداخت.

سرمایه اجتماعی درون گروهی اگرچه در جامعه روستایی مورد مطالعه کارکردهای مثبت فراوانی در مراسمات و کارهای جمعی روستا دارد اما تأکید صرف بر این جنبه از سرمایه اجتماعی و کم‌رنگ شدن سرمایه اجتماعی برون گروهی سبب می‌شود جامعه روستایی به بازتولید توانمندی‌های سنتی بپردازد. تضعیف شبکه ارتباطات برون روستایی و تأکید بر ارتباطات درون گروهی احتمال شکل‌گیری فعالیت‌ها و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

توانمندی‌های جدید را در جامعه روستایی کاهش می‌دهد. در واقع شبکه‌ای محلی تشکیل می‌شود که شغل کشاورزی، باغداری، دامپروری و فروشندگی خُرد در جامعه روستایی را تقویت نموده و در مشاغل غیرروستایی جدید به سمت و سوی کولبری و کارگری در تهران میل پیدا می‌کند. بر همین اساس تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی جامعه روستایی و ارتباط برنامه‌ریزی شده و صحیح آنها با جامعه شهری و مدرن با هدف آموزش توانمندی‌ها و مهارت‌های جدید از ضرورت‌های جامعه روستایی مورد مطالعه است. این موضوع نیازمند هماهنگی و برنامه‌ریزی بلند مدت و پرهیز از موازی کاری و تعارض برنامه‌ها و خدمات ارائه شده به جامعه روستایی در سطح وزارتخانه‌ها است. سرمایه‌گذاری بر روی تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی روستاییان یک فرایند زمان‌بر و کلان می‌باشد. سختی این امر بالاخص در سال‌های اخیر تشدید شده است این موضوع دلایل متعددی دارد که از مهمترین آنها می‌توان به نیمه کاره رها شدن پروژه‌های جامعه روستایی، بد قولی مسئولین و سرخوردگی روستاییان از عمل به وعده‌های نهادهای مختلف اشاره نمود که برایند آن سبب کاهش اعتماد نهادی و برون گروهی در جامعه روستایی شده است. به دلیل زمان‌بر بودن و تضعیف پایه‌های سرمایه اجتماعی نهادی در جامعه روستایی لذا مسئولین و نهادهای مرتبط با توسعه روستایی ساده‌ترین شیوه را برای توانمندسازی جامعه روستایی در پیش می‌گیرند که همان اختصاص وام‌های کوچک و به نوعی توزیع پول در جامعه روستایی می‌باشد. ناکارآمد بودن این امر مشخص شده است اما همچنان به عنوان مرسوم‌ترین روش برای توانمندسازی اقتصادی در جامعه روستایی مطرح است. در حالیکه جلب اعتماد روستاییان از سوی نهادهای مرتبط با جامعه روستایی، آموزش مهارت‌های جدید و مرتبط با منابع جامعه روستایی به روستاییان، عدم توزیع پول بین روستاییان در قالب وام با هر عنوانی یا کمک بلاعوض، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی درون گروهی روستاییان جهت تشکیل تعاونی‌های تولید از جمله راهکارهایی است که اگرچه سختی آن به نسبت شیوه توزیع پول بسیار بیشتر و زمان‌برتر است اما ماندگاری و اثرگذاری آن به مراتب بالاتر است.

۶) منابع

- ادواردز، رابرت، فولی، مایکل، (۱۳۸۹)، **جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی فراتر از آراء پاتنام**، مقاله‌ای در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه. صص ۴۰۰-۳۶۹.
- اصغری لفمجانی، صادق، شهرکی، عیسی، نادریان‌فر، مهدی، (۱۳۹۵)، **موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی (مورد مطالعه مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۲۴-۱۰۳.
- اعظمی، موسی، خیاطی، مهدی، (۱۳۹۳)، **تحلیل توانمندی اقتصادی روستاییان و تعیین‌کننده‌های آن (مطالعه موردی شالیکاران شهرستان رشت)**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره ۵، صص ۵۵-۴۳.
- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

- تاجبخش، کیان، (۱۳۸۹)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی**، مقاله‌ای در کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه. صص ۴۰-۲۵.
- حیدری ساربان، وکیل، باختر، سهیلا، طالعی حور، وحید، (۱۳۹۵)، **ارزیابی و تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی دهستان شیان، شهرستان اسلام آباد غرب)**، فصلنامه زن و جامعه، سال هفتم، شماره ۴، صص ۵۰-۲۷.
- خاکپور، براتعلی، (۱۳۹۴)، **سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازار کار شهری (مطالعه موردی جامعه زنان محله‌های اسکان غیررسمی تبریز)**، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوم، شماره ۱، صص ۸۰-۶۹.
- سعدی، حشمت‌الله، شعبانعلی فمی، حسین، لطیفی، سمیه، (۱۳۹۱)، **سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن**، زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- عنابستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، خسروبیگی، رضا، تقیلو، علی اکبر، (۱۳۹۰)، **نقش ویژگی‌های مکانی- فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان ایجرود بالا- شهرستان ایجرود)**، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳-۱.
- عنابستانی، علی‌اکبر، شایان، حمید، خسروبیگی، رضا، تقیلو، علی اکبر، (۱۳۹۲)، **نقش مشارکت در توانمندسازی اقتصادی نواحی روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی دهستان ایجرود بالا- استان زنجان)**، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴۴، صص ۹۰-۷۳.
- غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، **سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فراهانی، حسین، اصدقی سراسکانرود، زهرا، طولابی‌نژاد، مهرشاد، (۱۳۹۲)، **تحلیل اثرات هدفمندسازی یارانه-ها در توانمندسازی اقتصادی خانوارهای روستایی (مورد دهستان جایدر در شهرستان پلدختر)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۸-۲۳.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، **پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: نشر جامعه ایرانیان/ حکایت قلم نوین.
- فیروزآبادی، سید احمد، (۱۳۸۴)، **بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر برشکل‌گیری آن در شهر تهران**، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فیلد، جان، (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: نشر کویر.
- محمودی، سمیرا، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، غفاری، غلامرضا، پورطاهری، مهدی، (۱۳۹۴)، **تبیین اثرات انواع سرمایه‌های توسعه‌ای بر سرمایه اجتماعی (مورد: روستاهای استان خراسان رضوی)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۹۰-۱۶۹.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ شهرستان مریوان**، سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان.
- نادری مهدیی، کریم، وحدت مودب، هاجر، (۱۳۹۷)، **بررسی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی: شهرستان رزن)**، زن در توسعه و سیاست، دوره شانزدهم، شماره ۲، صص ۱۹۶-۱۷۵.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]

- نوابخش، مهرداد، ازکیا، مصطفی، وثوقی، منصور، مشیر استخاره، زهرا سادات، (۱۳۹۴)، **ارزیابی عوامل موثر بر توانمندی اقتصادی (مطالعه موردی زنان آسیب‌پذیر در شهر تهران)**، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۰-۱.
- Adler, P. S. and Kwon, S. W., 2002, **Social capital: Prospects for a new concept**, The Academy of Management Review, Vol. 27, No.1, Pp.17-40.
- Azami, M., Soroushmehr, H. and Saadi, H., 2013, **The path analysis of social capital components in economic empowering of rural women in Iran**, OIDA International Journal of Sustainable Development, Vol. 5, No. 9, Pp. 109-114.
- Bourdieu, P., 1986. The forms of capital, In: Richardson, J., **Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education** (pp. 241–258), New York: Greenwood Press.
- Bushra, A. and Wajiha, N., 2015, **Assessing the Socio-Economic Determinants of Women Empowerment in Pakistan**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol. 177, Pp. 3-8.
- Dinello. N., 1998, **Forms of capital: The case of Russian bankers**, International Sociology, Vol. 13, No. 3, Pp. 291-310.
- Grootaert, C., 2003, **On the relationship between empowerment, social capital and community driven development**, Washington, DC: World Bank, Working Paper No. 33074, Pp. 1-6.
- Heizmann, B. and Bohnke, P., 2016, **Migrant poverty and social capital: The impact of intra- and interethnic contacts**, Research in Social Stratification and Mobility, Vol. 46, Pp. 73-85.
- Mahmud, S., Chakraborty, N. M. and Becker, S., 2012, **Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh,** World Development, 40 (3), Pp. 610–619.
- Mayoux, L., 2001, **Tackling the down side: Social capital, women's empowerment and micro-finance in Cameroon**, Journal of Development and Change, 32 (3), Pp. 435-464.
- Moyle, T. L., Dollard, M. and Biswas, S., 2006, **Personal and economic empowerment in rural Indian women: A self-help group approach**, International Journal of Rural Management, 2 (2), Pp. 245–266.
- O'Hara, C. and Clement, F., 2018, **Power as agency: A critical reflection on the measurement of women's empowerment in the development sector**, World Development, Vol. 106, Pp. 111-123.
- Story, W. T., Tura, H., Rubin, J., Engidawork, B., Ahmed, A., Jundi, F., Iddosa, T. and Abrha, T. H., 2018, **Social capital and disaster preparedness in Oromia, Ethiopia: An evaluation of the "Women Empowered" approach**, Social Science & Medicine, Available online 25 August 2018, 111907, https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2018.08.027, Pp. 1-8.
- Tymon, W. G. and Stumpf, S. A., 2003, **Social Capital in the Success of knowledge Worker**, Career Development International, Vol. 8. Iss. 1, Pp.12-20.
- Yount, K. M., Crandall, A. and Cheong, Y. F., 2018, **Women's age at first marriage and long-term economic empowerment in Egypt**, World Development, Vol. 102, Pp. 124-134.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1400.10.37.3.5]